نشریه مکتب احیاء، ۲(٤)، ۳۰-۳۷/ پاییز ۱۴۰۳
https://doi.org/10.22034/2.4.30

مقالهٔ پژوهشی

واکاوی نقش مکان‌ساز منظر سبز بومی در توسعهٔ منظر شهری (مطالعه موردی: شهر رودخانه‌های دزفول، شوش و شوشتر)*

بابک عبدی[1]**
زینب رضایی[2]
ریحانه نصرتیان[3]
محمد مهرآبادی[3]

۱. دانشجوی دکتری معماری منظر، دانشکدهٔ معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران
۲. کارشناس ارشد معماری منظر، دانشکدهٔ معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکدهٔ معماری، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۳۰
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۲۸
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

واژگان کلیدی
منظر سبز، توسعهٔ مکان‌محور، شهررودخانه، سرزمین خوزستان

چکیده

منظر سبز شهری به‌عنوان بخشی از منظر شهری دارای تأثیرات فراوانی در جنبه‌های مختلف زندگی شهروندان بوده است و چگونگی توسعهٔ آن اهمیت به‌سزایی دارد. در برنامه‌های توسعهٔ معاصر به منظر سبز صرفاً به‌عنوان پدیده‌ای تزئینی به‌منظور تفرج و به مزایای زیست‌محیطی آن توجه می‌شود که در رویکرد توسعهٔ پایدار جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز مدنظر است. توسعهٔ فضای سبز معاصر در مجاورت رودخانه‌های خوزستان موجب تقلیل عملکردهای چندگانه و نقش هویتی رودخانه و منظر سبز به عناصر تفریحی در شهر و در نتیجه جدایی این دو از زندگی روزمرهٔ ساکنان شده است. در برنامه‌های توسعهٔ اخیر نیز اغلب الگویی جامع برای همهٔ شهرها ارائه می‌شود، این درحالی است که ظرفیت‌های مکانی و نیازهای ساکنان عاملی تعیین‌کننده در فرایند توسعه محسوب می‌شود. شهررودخانه‌های خوزستان نیز دارای ویژگی‌ها و ظرفیت‌های خاص خود هستند که تعیین‌کنندهٔ سبک منظر سبز براساس نیاز ساکنان در این شهرهاست. بنابراین، شناخت این سبک و ویژگی‌های آن به‌منظور توسعهٔ مکان‌محور ضروری است. این پژوهش با خوانش منظرین به شناسایی این ویژگی‌ها از طریق مشاهدات میدانی با استفاده از روش اکتشافی و در برخی موارد بررسی اسناد تاریخی پرداخت. نتایج مشاهدات نشان دادند سازماندهی منظر سبز در شهرهای دزفول، شوش و شوشتر به‌صورت واحه‌ای به‌منظور سازگاری با اقلیم، مکان‌یابی در نقاط مکث و عطف شهر به‌منظور پیوند با فعالیت‌های روزمره، انتخاب درختان بومی نخل و کُنار (دارای شأن مقدس) به‌صورت تک‌کاشت و به‌طور کلی منظر سبز چندعملکردی است. منظر سبز در پیوند مستمر با زندگی مردم نیازهای ساکنان را برطرف ساخته و براساس ظرفیت‌های عملکردی، اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و هویتی مکان ایجاد شده است. بنابراین، منظر سبز بومی این شهرها با مؤلفه‌های مکان‌ساز خود می‌تواند نقش اساسی در توسعهٔ مکان‌محور ایفا کند که نیازمند مورد ملاحظه قراردادن آن در فرایند توسعه است.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «رویکرد مکان‌محور در برنامهٔ آمایش سرزمین (مطالعهٔ موردی: نقش سازه‌های آبی در تعامل رودخانه با شهرهای شوش شوشتر و دزفول)» است که به سرپرستی دکتر «سید امیر منصوری» در پژوهشکدهٔ هنر، معماری و شهرسازی نظر در سال ۱۴۰۳ انجام شده است.
** نویسندهٔ مسئول: ۰۹۳۰۶۸۸۳۳۷۳، babakabdi@ut.ac.ir
This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-11]
[DOI: 10.22034/2.4.30]

مقدمه

شهرورودخانه‌ها از دیرباز، کانون تمدن و توسعهٔ بشری بوده‌اند. شهرهایی که هستهٔ اولیه‌شان در کنار رودخانه‌ها شکل گرفته است، از مزایای بی‌شماری همچون دسترسی به آب آشامیدنی، آبیاری زمین‌های کشاورزی، حمل‌ونقل آبی و تولید انرژی بهره‌مند شده‌اند و رودخانه عامل دفاعی برای شهر محسوب می‌شده است که شهرهای دزفول، شوش و شوشتر از جمله این شهرها هستند. رودخانه‌ها به‌عنوان شریان‌های حیاتی این شهرها، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری بافت شهری، سبک زندگی مردم و در نهایت هویت شهر داشته‌اند. در گذشته لبهٔ رودخانه‌ها چندعملکردی بودند و نقش‌های مختلفی را در زندگی مردم ایفا می‌کردند، عملکردهای اجتماعی، زیست‌محیطی، تفریحی، هویتی و زیبایی‌شناختی اما امروزه لبهٔ رودخانه‌ها در شهرهای دزفول، شوش و شوشتر با احداث فضای سبز غیربومی به‌صورت پهنه‌ای به فضایی صرفاً تفریحی شبیه به پارک‌های شهری تبدیل شده است. این درحالی است که منظر سبز بومی نزد مردم این شهرها دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و دارای پیوند ناگسستنی با زندگی روزمره آن‌هاست. درخت در اعتقادات و باورهای مردم منطقه صرفاً یک عنصر تزئینی نبوده و دارای شأن و مرتبهٔ بالاتری است. نوع منظر بومی و موقعیت قرارگیری آن در نقاط مختلف این شهرها براساس نیازهای مردم و ظرفیت‌های مکان است. تکرار سبک فضای سبز پارک‌های معاصر در لبهٔ رودخانه‌ها و فضاهای شهری دزفول، شوش و شوشتر بدون توجه به قابلیت‌های مکانی، نه‌تنها عملکرد منظر سبز بومی بلکه لبهٔ رودخانه‌ها را تغییر داده و نقش این دو عامل حیاتی در زندگی مردم به عملکرد تفریحی تقلیل یافته است. این نوع توسعه پاسخگوی نیازهای مختلف ساکنان و با ویژگی‌های مکان نیز سازگار نیست. واکاوی ویژگی‌های منظر سبز بومی و نقش آن در فرایند توسعه می‌تواند تعیین‌کنندهٔ سبک توسعهٔ منظر سبز متناسب با شهرورودخانه‌های خوزستان و نیازهای ساکنان باشد.

سؤالات پژوهش

- منظر سبز بومی چگونه می‌تواند در فرایند توسعهٔ مکان‌محور شهرورودخانه‌های خوزستان مؤثر باشد؟
- مزایای بهره‌برداری از منظر سبز بومی به‌صورت واحه‌ای به‌جای فضای سبز پهنه‌ای و متراکم خطی چیست؟
- ابتکار و استراتژی‌های ساکنان شهرورودخانه‌های خوزستان برای ایجاد هماهنگی در محیط زندگی خود با استفاده از منظر سبز شهری چیست؟

روش پژوهش

روش این پژوهش براساس ماهیت آن به‌صورت مشاهدهٔ میدانی و اکتشافی است که در برخی از قسمت‌ها اساس تحلیل‌ها مبانی نظری مستخرج‌شده از مطالعات کتابخانه‌ای است. ازآنجاکه پیش‌تر ذکر شد ماهیت عینی-ذهنی منظر سبز نیازمند رویکردی است با استفاده از آن بتوان این پدیده را در همهٔ ابعاد ارزیابی کرد. رویکرد منظرین به شهر، رویکردی کل‌نگر است که عینیت و ذهنیت در آن غیرقابل‌تفکیک هستند و ادراک و ذهن مخاطب در آن نقش اصلی را ایفا می‌کند (Majidi et al., 2019). در این پژوهش ابتدا از طریق خوانش منظرین نوع سبک و ویژگی‌های منظر سبز شهرورودخانه‌های دزفول، شوش و شوشتر شناسایی شد. سپس تناسب و سازگاری این سبک با ظرفیت‌های مکان و ادراک ساکنین این شهرها از مکان براساس مستندات میدانی جمع‌آوری‌شده تحلیل شد. این مشاهدات میدانی شامل دو بخش اصلی مؤلفه‌های منظر سبز و استراتژی‌های مبتنی‌بر منظر است.

معرفی منطقهٔ مورد مطالعه

استان خوزستان، در جنوب‌غربی ایران واقع شده و یکی از کهن‌ترین مراکز تمدنی ایران و جهان است. این استان به‌دلیل وجود منابع غنی آب و خاک، از دیرباز محل استقرار تمدن‌های بزرگی مانند عیلامیان بوده است. خوزستان همچنین نقش کلیدی در اقتصاد کشور ایفا می‌کند، چراکه بخش عمدهٔ منابع نفت و گاز کشور در این استان قرار دارد.

دزفول در شمال خوزستان و در دامنه‌های زاگرس میانی واقع شده است. این شهر به‌دلیل عبور رودخانه دز و وجود زمین‌های حاصلخیز، مرکز مهمی برای کشاورزی در منطقه محسوب می‌شود. طبق گزارش سازمان هواشناسی ایران (داده‌های هواشناسی ایران، بی‌تا)، میانگین دمای حداقل در سردترین ماه سال (دی ماه) حدود هفت درجهٔ سانتی‌گراد و میانگین دمای حداکثر در گرم‌ترین ماه سال (تیر ماه) ۴۳ درجهٔ سانتی‌گراد است. وجود سد دز که یکی از قدیمی‌ترین سدهای مدرن ایران است، به توسعهٔ کشاورزی و مدیریت منابع آبی در این منطقه کمک شایانی کرده است (گزارش بارش و ...، ۱۴۰۲). گونه‌های گیاهی غالب در دزفول شامل نخل و کُنار هستند که هر دو با اقلیم گرم این منطقه سازگارند. همچنین، معماری سنتی این شهر شامل شوادان‌ها است که برای مقابله با گرما طراحی شده‌اند.

شهر تاریخی شوشتر یکی از مهم‌ترین شهرهای خوزستان از نظر تاریخی و فرهنگی است. این شهر با سازه‌های آبی تاریخی که در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است، شناخته می‌شود. سیستم‌های آبی شوشتر شامل آسیاب‌ها، کانال‌ها و سدها، نمونه‌ای برجسته از مهندسی آبی در دوران باستان است. اقلیم شوشتر گرم‌ومرطوب است و در فصول پاییز و زمستان، آب‌وهوای مطبوعی دارد که این دوره‌ها را برای فعالیت‌های گردشگری ایده‌آل می‌کند. شوش یکی از قدیمی‌ترین سکونتگاه‌های شناخته‌شده در ایران است و پیشینه‌ای چندین هزارساله دارد. این شهر در نزدیکی رودخانهٔ کرخه قرار دارد که منابع آبی مناسبی برای کشاورزی و سکونت فراهم می‌کند. زیگورات چغازنبیل، یکی از مهم‌ترین آثار باستانی ایران که در نزدیکی شوش قرار دارد، نشانگر اهمیت تاریخی این منطقه است. اقلیم شوش گرم‌وخشک و میانگین بارندگی سالانهٔ آن کم است (داده‌های هواشناسی ایران، بی‌تا).

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-11]

[DOI: 10.22034/2.4.3]
پاییز ۱۴۰۳

مبانی نظری

• مکان، منظر و منظر شهری

مکان، فضایی است که برای فرد یا افراد، دارای معنا باشد (Moazzeni Khorasgani & Haghighatbin, 2023). درک انسان از مکان، هم به ویژگی‌های فیزیکی آن و هم به تجربه‌ای که او از آن مکان به‌دست می‌آورد، وابسته است. ترکیب « فضا و درک انسان از فضا» ماهیت مکان را می‌سازد (منصوری، ۱۳۸۹). از مؤلفه‌های سازندهٔ مکان، «کالبد، فعالیت‌ها و معانی» است که لایه‌های عینی و ذهنی مکان را تشکیل می‌دهند (Moazzeni Khorasgani & Haghighatbin, 2023). منظر نوعی از مکان است (منصوری، ۱۳۸۹). منظر ماهیتی مکان‌محور و برآمده از تجربهٔ انسانی در فضا و پدیده‌ای است عینی-ذهنی، پویا و نسبی که در تعامل با تاریخ و طبیعت شکل می‌گیرد (Mansouri, 2005). منظر می‌تواند روایتگر تجربهٔ انسان از مکان باشد و ازاین‌رو، ارتباط مستقیمی با حس مکان و تداوم آن دارد (Moazzeni Khorasgani & Haghighatbin, 2023). شهر نیز نوعی از مکان است. شهر، محصول بعد اجتماعی انسان و پیشرفت مفاهیم اساسی در ذهن اوست (منصوری، ۱۳۸۹). شهر، فضایی است که انسان در آن ساکن می‌شود و عناصر مادی و معنوی زندگیش در آن جای می‌گیرد. این فضا، بستری است که انسان در آن ادراکات خود از جهان را تجربه می‌کند (Atashinbar, 2009). شهر، ابرمتنی است که صورت تجسمی و بافتی از نشانه‌های تصویری حامل معنا دارد (Majidi et al., 2019). ازآنجاکه شهر تجسم روح جمعی شهر و شهروندان است، نمی‌توان کالبد آن را از ابعاد معنایی‌اش که به نوعی هم‌زیستی یکپارچه دارند، جدا کرد. (Noroozitalab, 2010). شهر پدیده‌ای منظرین است؛ سیال در میان مفاهیم و فیزیک و محصول ادراک انسان‌ها از محیط زندگی خود، منظر شهر نیز نوعی از منظر و مقوله‌ای از جنس کیفیت (معنا) است که به‌واسطهٔ عناصر کمی (کالبد) به ظهور می‌رسد (Majidi et al., 2019). به عبارت دیگر، منظر شهری در ابتدا امری عینی است که از طریق کیفیت ظهور عوامل فیزیکی شهر شکل می‌گیرد و از طریق کالبد و احساسات درک می‌شود و با گذر زمان و تکرار، به عنصری مشترک (ذهنی) تبدیل می‌شود که افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد. بنابراین، آن چه که به منظر شهر معنا می بخشد، ذهنیت شهروند است (Atashinbar, 2009). منظر شهری دانش شناخت مفهوم منظر نزد شهروندانی است که در طول تاریخ در آن محیط زیسته‌اند و با کالبدهای طبیعی و مصنوع محیط ارتباطی معنایی تولید کرده‌اند که در تداوم حیات معقول آن‌ها نقش اساسی دارد (منصوری، ۱۳۸۹).

• منظر سبز شهری و توسعهٔ مکان‌محور

براساس آن‌چه از منظر شهری گفته شد، منظر سبز شهری نیز ترکیبی غیرقابل‌تفکیک از عناصر کالبدی و معنایی یا عینیت و ذهنیت است. همان‌طور که منظر شهری با رویکرد منظرین بررسی می‌شود، منظر سبز بومی به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از منظر شهری، با خوانش منظرین و با توجه به ویژگی‌های مکان بررسی می‌شود و ارزش‌های زیبایی‌شناختی و هویتی شهرها را تقویت می‌کند. چراکه منظر سبز بومی وابسته به مکان و در توسعهٔ مکان‌محور، توجه اصلی به «مکان» است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که یکی از دلایل اصلی کیفیت پایین فضای سبز معاصر نبود ارتباط میان اجزاء و عناصر فضای سبز با سایر ساختارهای شهر است (Saboonchi et al., 2018). بنابراین، سازماندهی و مکان‌یابی منظر سبز در ساختار شهری در فرایند توسعه به‌طور مستقیم بر کیفیت آن تأثیرگذار است. هر مکان در مقیاس خود دارای مفاهیم و معانی است و اگر قرار است توسعه یابد باید براساس نیازها، ظرفیت‌ها، نقاط ضعف و قوت هر بستر و به‌طور کلی ویژگی‌های آن مکان باشد. توسعهٔ مکان‌محور بر پایهٔ رویکرد منظرین، رویکردی سیستمی و کل‌نگر است که در آن ویژگی‌های منحصربه‌فرد هر مکان، ازجمله به موقعیت جغرافیایی، تاریخچه، فرهنگ و منابع طبیعی در ترکیب با مؤلفه‌های توسعهٔ پایدار، در برنامه‌ریزی و توسعهٔ آن مکان توجه می‌شود. شهررودخانه‌ها به‌عنوان یکی از نمودهای تعامل میان عناصر طبیعی و ساختارهای انسانی، نقش مهمی در توسعهٔ پایدار شهری ایفا می‌کنند. این شهرها که در امتداد جریان‌های آبی شکل گرفته‌اند، نه‌تنها از منظر اقتصادی و اجتماعی دارای اهمیت هستند، بلکه به‌لحاظ زیست‌محیطی نیز ارزشمندند و به‌عنوان شریان‌های حیات‌بخش، امکان پیوند میان فضای طبیعی و محیط شهری را فراهم می‌آورند. رودخانه‌ها ویژگی اصلی هویتی بسیاری از شهرها هستند (Francis, 2012). رودخانه‌های درون‌شهری اکوسیستم‌های خاص محیطی در درون شهرها هستند که علاوه‌بر ویژگی‌های برجستهٔ اکولوژیکی، دارای ارزش‌های محیطی، انسانی و اقتصادی هستند و می‌توانند به‌عنوان کریدورهای توسعهٔ محلی بهره‌برداری شوند (Mahmoodi et al., 2013). این توسعه می‌تواند از توسعهٔ پایدار فراتر برود و به توسعهٔ مکان‌محور که براساس ویژگی‌های مکان است، تبدیل شود و به حفاظت از منظر سبز بومی کمک کند. درخت، آب و چهارطاقی این سه‌گانهٔ منظر ایرانی به‌عنوان یک ترکیب طبیعی- فرهنگی، از دیرباز عاملی مکان‌ساز در شکل‌گیری و توسعهٔ سکونتگاه‌های ایرانیان بوده‌اند (Abarghoei Fard, 2019) و از دیرباز به‌عنوان تأمین‌کنندگان نیازهای اقلیمی و کارکردی، نقش برجسته‌ای در بهبود کیفیت زندگی شهری ایفا کرده‌اند. در تاریخ زندگی بشر در اقوام و ملل مختلف گیاهان همواره دارای جایگاه اساطیری و تقدس بوده‌اند که دلایل دینی و مذهبی داشته‌اند و به همین دلیل، همواره عناصر طبیعی به‌ویژه گیاهان در فرهنگ هنر این مردمان مشاهده می‌شوند (Sabouri & Javadi, 2022). در جهان‌بینی مردم ایران باستان، آب علاوه‌بر اینکه عنصری حیاتی در جنبه‌های مادی زندگی روزمره محسوب می‌شود بلکه عنصری مقدس است که دارای قابلیت معنابخشی به جهان هستی است و مظهر خیر و برکت محسوب می‌شود، بنابراین، در فرهنگ، اعتقادات و آیین‌های ایرانیان حضور مستمر دارد (Mansouri & Javadi, 2019). بنابراین، باتوجه

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-11]

[DOI: 10.22034/2.4.30]

به اینکه می‌توان گفت در ساختار منظر سبز شهررودخانه‌های خوزستان نیز درخت و آب دو مؤلفهٔ اصلی محسوب می‌شوند، ارزیابی این دو مؤلفه در فرایند توسعهٔ منظر سبز ضروری است.

مؤلفه‌های منظر سبز

مشاهدات میدانی در شهرهای دزفول، شوش و شوشتر نشان از وجود سه‌گانهٔ منظر ایرانی دارد و منظر سبز به‌مثابهٔ جان‌مایه‌ای برای توسعهٔ شهر به‌عنوان یک عنصر مکان‌ساز عمل می‌کند. وجود امامزادهٔ (چهارطاقی) در نزدیکی درختان چندسالهٔ کُنار و احتمالاً آب نیز خود دلیلی بر این مدعاست. زیرا در گذشته معمولاً اماکن مذهبی و دارای تقدس در کنار این سه‌گانه ساخته می‌شدند. بنابراین، آب و درخت به‌عنوان مؤلفه‌های منظر سبز در این شهرها ارزیابی شدند. علاوه‌بر ویژگی‌های زیست‌محیطی بیان‌شده در مطالعات مختلف، وجود درختان در نقاط کلیدی فضای شهری باعث پیوند آن‌ها با فعالیت‌های روزمرهٔ مردم می‌شود. این ارتباط می‌تواند شامل زیارت، تعاملات اجتماعی و تفریحات باشد. چنین پیوند پیوسته‌ایی منجر به افزایش احترام و تقدس به درختان می‌شود و آن‌ها را به عناصری آیینی و هویت‌بخش در محیط شهری تبدیل می‌کند. افزایش لایه‌های معنایی درختان در منظر سبز شهرها، نه‌تنها زیبایی این عناصر را در نظر شهروندان تقویت می‌کند، بلکه احساس تعلق به محیط را نیز به وجود می‌آورد. درختانی که به نیازهای ساکنان پاسخ می‌دهند و با ظرفیت‌های مکانی و ادراک آن‌ها از محیط شهری هم‌راستا هستند، به توسعهٔ مکان‌محور کمک می‌کنند. در واقع، ویژگی‌های مکانی هستند که نوع خاصی از منظر سبز شهری را شکل می‌دهند که با نیازهای ساکنان و شرایط محیطی سازگار است. به‌این‌ترتیب، درخت و آب به‌عنوان عناصر منظر، علاوه‌بر ایجاد زیبایی، به تقویت هویت اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز کمک می‌کند و ارتباط عمیق‌تری بین ساکنان و محیط‌زیست‌شان برقرار می‌سازند. ازاین‌رو، درنظرگرفتن توان بالقوهٔ عناصر درخت و آب برای تبدیل‌شدن به عناصری منظرین، در راستای احیا، حفاظت و تقویت ادراک مکان، در توسعهٔ مکان‌محور امری ضروری است.

• رودخانه

رودخانه‌ها به‌دلیل عملکردهای چندگانهٔ خود در زمینه‌های سازماندهی فضایی شهری، ارتباط با طبیعت، فواید اکولوژیکی، اجتماعی و نقش اساسی در شکل‌گیری خاطرات جمعی ساکنان اهمیت به‌سزایی در منظر شهری دارد. وجود آب برای کاشت درختان، فرصت ارتباط فیزیکی و حسی با طبیعت در لبهٔ رودخانه و مزایای اکولوژیکی آن از عواملی است که موجب شده است فضاهای سبز معاصر به‌طور عمده در کنار محور رودخانه‌ها ایجاد شوند. فضای سبز معاصر به‌صورت پهنه‌ای با کاشت توده‌ای گیاهان غیر بومی، ازجمله کنوکارکپوس و کهورپاکستانی، در مجاورت رودخانه‌ها با هدف تفریحی ایجاد شده است و دیگر جنبه‌های آن در این نوع توسعه مدنظر نیست. این درحالی است که هم منظر سبز بومی و هم لبهٔ رودخانه هردو عناصر چندعملکردی و دارای پیوند عمیقی با جنبه‌های مختلف زندگی هستند که هم آب و هم درخت دارای ریشهٔ عمیق در فرهنگ، آیین و اعتقادات ساکنان این منطقه هستند. در واقع می‌توان گفت با تقلیل منظر سبز به فضای سبز تفریحی و تبدیل لبهٔ رودخانه به محلی سبز صرفاً برای تفریح و تفرج مخدوش‌کردن نقش مکان‌ساز منظر سبز و رودخانه که محور ادراک شهر محسوب می‌شود، به‌طور همزمان است. این نوع توسعهٔ فضای سبز موجب فراموشی و ازبین‌رفتن درختان بومی اصیل و سبک منظر سبز سازگار با ظرفیت‌های مکان می‌شود. همچنین نقش هویتی، ادراکی، اجتماعی و منظرین لبهٔ رودخانه تضعیف و صرفاً تبدیل به عنصری تزئینی با عملکرد تفریحی در شهر می‌شود (تصویر ۱).

• درخت

انتخاب درختان مورد استفاده در منظر سبز شهررودخانه‌های سرزمین خوزستان نیز براساس عوامل مکانی شکل گرفته است. ساکنان این سرزمین درختان خاصی که دارای معنای عمیقی در اعتقادات و ذهنیات آنان است را برای این منظور انتخاب کرده‌اند. درخت کُنار با قابلیت سایه‌اندازی (با داشتن تراکم شاخه‌هایی که مانع عبور جریان هوا نمی‌شود) و تأمین آسایش اقلیمی برای ساکنانی که در این اقلیم گرم‌وخشک نیازمند چنین آسایشی در زیر آفتاب سوزان هستند، همچنین میوهٔ خوراکی در کنار زیبایی بصری از ویژگی‌هایی است که موجب انتخاب این درخت توسط





تصویر ۱. تبدیل لبهٔ رودخانه به فضایی شبه‌پارک با عملکرد تفریحی و جدایی آن از زندگی شهری، دزفول. عکس: بابک عبدی، ۱۴۰۳.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-11]

[DOI: 10.22034/2.4.3]

ساکنان شهر شده است. درخت نخل نیز همانند کُنار با داشتن زیبایی بصری و میوهٔ خوراکی که دارای عملکرد اقتصادی است، از درختان منتخب بومی محسوب می‌شود (تصویر ۲). این درختان نه‌تنها با اقلیم و آب‌وهوای این سرزمین سازگار هستند و تحمل شرایط نامساعد محیطی همچون خشکی و گرما دارند، بلکه در رفع نیازهای اقتصادی، اجتماعی، زیبایی‌شناختی و رفاهی ساکنان نقش مهمی ایفا می‌کنند. درختانی که از نظر عملکردی برطرف‌سازندهٔ نیازهای مختلف ساکنان هستند و از نظر هویتی با ذهنیت تاریخی آنان داری پیوندی عمیق هستند، در گذر زمان با ایجاد خاطرات جمعی و حضوریافتن در زندگی روزمرهٔ مردم شأن احترام و تقدس می‌گیرند و نقش مهمی در ایجاد حس تعلق به مکان ایفا می‌کنند. بنابراین، درختان بومی که ساکنان براساس ظرفیت‌های مکانی و برای رفع نیازهای روزمرهٔ خود انتخاب می‌کنند، نقش مهمی در توسعهٔ منظر شهری ایفا می‌کنند که غفلت از آن موجب تقلیل عملکرد منظر سبز شهری به فضای سبز شهری می‌شود.

بررسی اسناد تاریخی نیز تأییدکنندهٔ حضور مستمر درختان کُنار و نخل در منظر سرزمین خوزستان است. حضور این درختان در جوار اماکن مقدس حاکی از شأن مقدس این درختان در نزد مردم است. در اسکیس‌های سفرنامهٔ مادام ژان دیولافوا (Dieulafoy, 1998) تک‌درختان کُنار در دشت که پناهگاهی در برابر آفتاب سوزان محسوب می‌شوند، قابل مشاهده است. همچنین حضور درخت نخل در جوار مقبرهٔ دانیال نبی و کُنار قدیمی در کنار امامزاده نیز در این اسکیس‌ها قابل مشاهده است (تصویر ۳). در این سفرنامه به این موضوع اشاره شده است که «چادرنشینان که مجبور هستند به‌دنبال گله‌هایشان بروند، آذوقه‌شان را به مقبرهٔ مقدس و ابزار کشاورزی‌شان را به درخت می‌سپارند، چون ابزار پس از فصل کشت، تا سال آینده بی‌مصرف می‌ماند». این سپردن ابزار معیشت به درخت نشان‌دهندهٔ تقدس و احترام این درخت در باورها و اعتقادات این مردمان است، به‌طوری که آنان از محفوظ‌ماندن اموال خود در نزد درخت مقدس اطمینان دارند. همچنین قرارگیری این درخت در مکان مقدس و همراه‌شدن با مراسمات آیینی و زیارت بر شأن مقدس این درختان می‌افزاید. این همراهی و حضور مستمر این درختان مقدس در اعتقادات و مراسمات مذهبی نشان می‌دهد این درختان با هویت ساکنان پیوند خورده‌اند و نقش این درختان در زندگی ساکنان تبدیل به عنصری هویت‌بخش فراتر از صرفاً عنصری طبیعی و گیاهی می‌شود.

استراتژی‌های مبتنی‌برمنظر

سازماندهی و مکان‌یابی منظر سبز در هر مکان براساس ظرفیت‌های آن و ادراک ساکنان آن شکل می‌گیرد. خوانش منظرین انجام‌شده توسط نگارندگان از منظر سبز شهرروددخانه‌های سرزمین خوزستان نشان داد در شهرهای دزفول، شوش و شوشتر، سبک تقریباً مشابهی از این نوع منظر سبز در این شهرها دنبال می‌شود که دارای ویژگی‌های خاص و منحصربه‌فرد خود است. منشأ این ویژگی‌ها ظرفیت‌های اقلیمی، عملکردی، زیبایی‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی مکان است. ساکنان این شهرها برای رفع نیازهای مختلف جامعه براساس ادراک خود از مکان، منظر سبز شهری را ساماندهی و ایجاد کرده‌اند. ایجاد فضاهای سبز واحه‌ای در نقاط عطف چندعملکردی





تصویر ۲. کُنار و نخل درختان بومی منتخبی که از فضای عمومی تا حیاط خانه‌ها حضور دارند. عکس: بابک عبدی، ۱۴۰۳.



تصویر ۳. حضور تک‌درخت کُنار در جوار امامزاده، درخت نخل در جوار مقبرهٔ دانیال نبی نشان از شأن مقدس این درختان دارد. مأخذ: Dieulafoy, 1998.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-11]

[DOI: 10.22034/2.4.30]

شهر با استفاده از گونه‌های بومی انتخاب‌شده سازگار با ظرفیت‌های مکان ویژگی مشترک منظر سبز شهررودخانه‌های خوزستان است که تعیین‌کنندهٔ این سبک خاص از منظر سبز است. تکرار شیوه و استراتژی ایجاد منظر سبز در این شهرها نشان از مشابهت‌های اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و اعتقادی در این شهرهاست. ابتکار و استراتژی که با خردمندی و هوشمندی ساکنان این سرزمین در ایجاد این سبک، در عین اینکه ظرفیت‌های مکان در ابعاد مختلف را ملاحظه شده است، نیازهای ساکنان را نیز برآورده می‌سازد.

• سازماندهی واحه‌ای سازگار با اقلیم

در اقلیم‌های گرم مانند خوزستان، نگاه به منظر سبز متفاوت است، مشاهدات میدانی نشان می‌دهد توسعهٔ منظر سبز به‌صورت نقاط متمرکز در قالب واحه‌ها است، این درحالی است که مدل‌های معاصر طراحی فضای سبز به‌صورت پهنه‌ای (همچون پارک‌های بزرگ) بدون توجه به محدودیت منابع آبی و روش‌های آبیاری پایدار، نظیر آب‌های باران و منابع محلی، خرداقلیم‌ها و گیاهان بومی انجام می‌شود. این منظر سبز واحه‌ای نه‌تنها با اقلیم سازگار است، بلکه به ظرفیت‌های مکانی نیز توجه دارد. این نوع توسعهٔ منظر سبز با توجه به ساختار آن موجب مصرف بهینهٔ آب با توجه به اقلیم گرم خوزستان، همچنین با همراه‌شدن با گیاهان بومی با ایجاد سایه موجب بهبود آسایش اقلیمی و ایجاد حس تعلق به مکانی می‌شود که متناسب و سازگار با ظرفیت‌های همین مکان ایجاد می‌شود و در نتیجه به بهبود کیفیت زندگی ساکنان کمک می‌کند (تصویر ۴).

در شهرهایی با چنین اقلیمی، درخت در خاطرهٔ جمعی و ذهنیت شهروندان جایگاه ویژه‌ایی دارد، چراکه زندگی در طول روز بدون سایه و تهویهٔ مطبوعی که ایجاد می‌کند، امکان‌پذیر نیست. لذا این عناصر اهمیت ویژه‌ای در شکل‌گیری تجربه و شناخت شهروندان از منظر سبز شهر خود و فهم عمیق آن‌ها دارند. در بررسی‌های انجام‌شده، تمرکز فضای سبز در شهرهای مورد مطالعه می‌توان گفت در نقاط مکث محله و واشدگاه‌ها مانند تقاطع محورهای دسترسی محلی، نقاط عطف شهری، مانند امامزاده و مساجد، فضای سبز نقش به‌سزایی ایفا می‌کنند (تصویر ۵). آنچه در مطالعات میدانی بررسی شد، نشان می‌دهد این الگو نه‌تنها به زیبایی بصری شهر کمک کرده‌اند، بلکه به‌دلیل قرارگیری آن‌ها در محل‌هایی که بستر تعاملات ساکنان هستند با زندگی روزمره و فعالیت‌های اجتماعی افراد نیز پیوند خورده و موجب افزایش حس تعلقِ خاطر شده‌اند، این درحالی است که فضای سبز معاصر معمولاً به‌صورت ایزوله و جدا از زندگی روزمرهٔ شهروندان و تنها برای یک فعالیت خاص تفریحی طراحی می‌شود و در نقاطی با اهمیت کمتر، نظیر حاشیهٔ



(الف)



(ب)



(ج)



(د)

تصویر۴. نمونه‌هایی از سازماندهی منظر سبز بومی به‌صورت واحه‌ای. الف) واحه‌ای سبز در مقابل مقبرهٔ دانیال نبی شوش، ب) ساماندهی واحه‌ای در محوطهٔ بقعهٔ شاه رکن‌الدین دزفول، ج) اثر باقی‌مانده از منظر سبز واحه‌ای مسجد جامع شوشتر د) تک درخت کنار نماد سازماندهی واحه‌ای دزفول. عکس: بابک عبدی، ۱۴۰۳.

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-11]

[DOI: 10.22034/2.4.3]

خیابان‌ها و نقاط عبوری کم‌اهمیت، قرار می‌گیرند. این رویکرد، نه‌تنها از غنای اجتماعی و فرهنگی فضای سبز می‌کاهد، بلکه نیازهای واقعی ساکنان را نیز نادیده می‌گیرد، درحالی که طراحی منظر سبز باید به‌صورت یکپارچه در بطن زندگی محلی قرار گیرد و به نیازهای واقعی جامعه پاسخ دهد و براساس آن شکل گیرد.

نتیجه‌گیری

ظرفیت‌های مکانی شامل ویژگی‌های کالبدی و غیرکالبدی، نیازهای ساکنان و به‌طور کلی ادراک ساکنان از مکان است. شهررودخانه‌های سرزمین خوزستان نیز ظرفیت‌های مکانی خاص خود را دارند که توسعهٔ منظر این شهرها باید براساس این ظرفیت‌ها انجام شود تا فرایند توسعهٔ همزمان هم سازگار با مکان بوده و هم برطرف‌سازندهٔ نیازهای ساکنان در ابعاد مختلف باشد. منظر سبز شهری به‌عنوان بخشی از منظر در این شهررودخانه‌ها دارای ویژگی‌های خاص و منحصربه‌فرد خود است که براساس همین ظرفیت‌ها ایجاد شده است (جدول ۱). منظر سبز شهری در شهرهای دزفول، شوش و شوشتر به گونه‌ای ایجاد شده است که متناسب با اقلیم این شهرها به‌صورت واحه‌ای نیازهای اقلیمی آنان از قبیل ایجاد سایه و تأمین آسایش اقلیمی را فراهم سازد. همچنین موقعیت این واحه‌ها در نقاط مکث شهری قرار دارد که در این نقاط تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های روزمرهٔ ساکنان شکل می‌گیرد، بنابراین، منظر سبز شهری در پیوند مستمر با بافت زندگی ساکنان شهر شکل گرفته است. درختانی که در این نقاط عطف کاشته شده‌اند از درختان بومی منتخبی هستند که دارای پیوند عمیق با ذهنیات، هویت و اعتقادات ساکنان هستند و به جنبهٔ صرفاً بصری توجه نشده است. با چندعملکردی‌شدن درختان و افزایش لایه‌های معنایی و نقش درخت در زندگی مردم این درختان به‌مثابهٔ عنصری در منظر عمل می‌کند و این نوع منظر سبز بومی در ذهن ساکنان دارای ادراک زیبایی‌شناختی و در نتیجه موجب حس تعلق به مکان می‌شود. در نهایت می‌توان گفت منظر سبز بومی در شهررودخانه‌های خوزستان به‌دلیل سازگاری با ظرفیت‌های مکان رفع‌کنندهٔ نیازهای ساکنان است و با داشتن مؤلفه‌های مکان‌ساز بخشی حیاتی در توسعهٔ مکان‌محور محسوب می‌شود که نیازمند توجه به آن در فرایند توسعه است. این درحالی است که فضای سبز معاصر در مجاورت رودخانه‌ها با تقلیل نقش منظر سبز به فضای سبز تفریحی و تبدیل لبهٔ رودخانه به فضایی شبیه به پارک موجب ازبین‌رفتن عملکردهای چندگانهٔ رودخانه و نقش هویتی آن و در نتیجه جدایی همزمان منظر سبز و رودخانه از زندگی روزمرهٔ ساکنان شده است.

تعارض منافع

نگارندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافعی برای ایشان وجود نداشته است.





تصویر۵. کاشت درخت در نقاط عطف شهری. عکس: زینب رضایی، ۱۴۰۳.

جدول ۱. تفاوت ویژگی‌های سبک منظر سبز بومی شهررودخانه‌های خوزستان با فضای سبز معاصر. مأخذ: نگارندگان.

سبک فضای سبز شهری	استراتژی‌های مبتنی‌بر منظر		مؤلفه‌های منظر سبز	
	سازماندهی	مکان‌یابی	درخت	رودخانه
منظر سبز بومی	واحه‌ای	نقاط عطف و مکث شهر	- تک‌کاشت - چندعملکردی و شأن مقدس - درختان بومی (کُنار و نخل)	- آب به‌عنوان عنصری مقدس - لبهٔ رودخانه چندعملکردی در ارتباط با زندگی روزمره
فضای سبز معاصر	پهنه‌ای و خطی	نقاط ایزوله و محل عبور، مجاورت رودخانه	- توده‌ای و ردیفی - عملکرد تفرجی و تزئینی - درختان غیربومی	- آب به‌عنوان عنصری تزئینی - عملکرد تفریحی و تفرجی لبه رودخانه

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-11]

[DOI: 10.22034/2.4.30]

فهرست منابع

• *داده‌های هواشناسی ایران*. (بی.تا). سازمان هواشناسی ایران. بازیابی‌شده در ۱۴۰۳/۱۰/۳۰، از https://data.irimo.ir/

• *گزارش بارش و سدهای کشور*. (۱۴۰۲). شرکت مدیریت منابع آب ایران. بازیابی‌شده در ۱۴۰۳/۱۰/۳۰، از https://data.wrm.ir/cs/Download/42/1644

• منصوری، سید امیر. (۱۳۸۹). چیستی منظر شهری. *منظر*، ۲(۹)، ۳۰-۳۳. https://www.manzar-sj.com/article_405.html

• Abarghoei Fard, H. (2019). A contemplation on ritual landscape representations in Kerman Province. *Journal of Art and Civilization of the Orient, 7*(24), 13-20. https://doi.org/10.22034/jaco.2019.89248

• Atashinbar, M. (2009). The continuity of identity in urban landscape. *Bagh-e Nazar, 6*(12), 45-56. https://www.bagh-sj.com/article_32.html

• Dieulafoy, J. (1998). *En mission chez les immortels: journal des fouilles de Suse* (E. Farahvasgi, Trans.). Unversity of Tehran. (Original work published 1991)

• Francis, R. A. (2012). Positioning urban rivers within urban ecology. *Urban Ecosystems, 15*, 285-291. https://doi.org/10.1007/s11252-012-0227-6

• Mahmoodi, M., Rafieian, M., Rafieian, M., & Shayan, S. (2013). Land use planning in the urban sensitive areas: Case study, Farahzad Valley Stream-Tehran. *Journal of Urban - Regional Studies and Research, 4*(16), 47-64. https://urs.ui.ac.ir/article_20037.html?lang=en

• Majidi, M., Mansouri, S. A., Sabernejad, J., & Barati, N. (2019). The role of landscape approach in improving satisfaction with the urban environment. *Bagh-e Nazar, 16*(76), 45-56. https://www.bagh-sj.com/article_93423.html

• Mansouri, S. (2005). An introduction to landscape architecture identification. *Bagh-e Nazar, 1*(2), 69-78. https://www.bagh-sj.com/article_1489.html

• Mansouri, S. A., & Javadi, Sh. (2019). *Three elements of Persian landscape; A study on the the essence of Persian architecture and urban space*. Nazar Research Center.

• Moazzeni Khorasgani, A., & Haghighatbin, M. (2023). Exploring functional features of landscape approach in regeneration of historical fabrics (Case study: Takht-e Gonbad Neighborhood, Isfahan). *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape, 15*(65), 32-45. https://doi.org/10.22034/manzar.2023.384644.2223

• Noroozitalab, A. (2010). Hermeneutics and Urban Landscape. *MANZAR, the Scientific Journal of landscape, 2*(11), 18-21. https://www.manzar-sj.com/article_169.html?lang=en

• Saboonchi, P., Abarghouyi, H., & Motedayen, H. (2018). Green landscape networks: The role of articulation in the integrity of green space in landscapes of contemporary cities of Iran. *Bagh-e Nazar, 15*(62), 5-16. https://doi.org/10.22034/bagh.2018.66280

• Sabouri, S., & Javadi, S. (2022). Oak; a heritage, a culture. *Journal of Art and Civilization of the Orient, 10*(36), 25-34. https://doi.org/10.22034/jaco.2022.342339.1244

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Revitalization School journal. This is an open access article disributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

نحوهٔ ارجاع به این مقاله

عبدی، بابک؛ رضایی، زینب؛ نصرتیان، ریحانه و مهرآبادی، محمد. (۱۴۰۳). واکاوی نقش مکان‌ساز منظر سبز بومی در توسعهٔ منظر شهری (مطالعه موردی: شهررودخانه‌های دزفول، شوش و شوشتر). *مکتب احیاء*، ۲(۴)، ۳۰-۳۷.

DOI: https://doi.org/10.22034/2.4.30
URL: https://jors-sj.com/article-1-53-fa.html

[Downloaded from jors-sj.com on 2026-11-11]
[DOI: 10.22034/2.4.30]